

دکتر سید جعفر شهیدی
استاد دانشگاه - سرپرست لغت نامه دهخدا

روش آموختن فارسی را تغییر دهید!

کسانی که با تاریخ تعلیم و تربیت این کشور آشنائی دارند می‌دانند که آموختن فارسی تا ربع اول این قرن (یعنی قرن چهاردهم هجری) اختصاص به گروهی خاص داشت (مقصود ما از فارسی در آن عصر مفهومی نیست که امروز از آن در ذهن داریم). در آن ادوار تنها طبقه ممتاز فارسی را فرا می‌گرفتند، این طبقه ممتاز عبارت بودند از اعیان زادگان، منشیان و یا کسانی که به نحوی از انحاء در دیوانهای دولتی بکار اشتغال داشتند، عده بسیار کمی از محصلان مدارس دینی، و اقلیت بسیار اندک از کسانی که در خود ذوق پرداختن به تحصیل ادب را میدید و توانائی آنها داشت که در محضر ادیبان فن بنشینند و از دانش آنان بهره ببرند. دیگر طالبان علم که در مدارس دینی تحصیل میکردند تنها خود را به فرا گرفتن فقه و اصول و مقدمات آن از صرف و نحو عربی و منطق موظف میدانستند و چون فارسی و ادبیات درکار فقه دخالت مستقیم نداشت بدان توجه نمی‌شد. اکثریت عمده مردم که در زمره این طبقات نبودند رغبتی به تحصیل دانش نداشتند - خواه عربی و خواه فارسی.

اما کسانی که به فرا گرفتن ادبیات فارسی می‌پرداختند چنانکه گفتیم محرک آنان یا ذوق شخصی بود یا بستگی حرفه‌ای، برای این هر دو دسته فارسی پیش از آنکه وسیله‌ای برای دریافت معانی از الفاظ باشد هنری ظریف به حساب می‌آمد.

نثر فنی که در قرن پنجم هجری پیدا شد و در قرن هفتم و هشتم به کمال رسید و از آن قرن تا قرن دوازدهم به افراط گرائید، با اینکه در دوره تحول اندک دگرگونی یافته بود، هنوز جنبه هنری را محفوظ داشت و چون تا اوائل این قرن، فارسی آموزان چنانکه گفتیم طبقه ممتاز بودند گرایش آنان به نثر مطلق و مصنوع بیشتر بوده تا به نثرهای ساده. کتابهای درسی این عصر متن‌هایی مشکل چون نفثة المصنوع، دره نادره، مرزبان نامه و کلیله و دمنه بهرامشاهی بود، تا آنجا که منشآت قائم مقام فراهانی و امیر نظام گروسی راجزه نثرهای ساده می‌شمرند.

پس از استقرار مشروطیت و گسترش مدارس جدید و تبلیغات دامنه داری که برای با سواد کردن همگان آغاز شد، اندک اندک آن اکثریت که حساب خود را از علم جدا کرده بود متوجه شد که معلومات - و یا حداقل آن که خواندن و نوشتن باشد - برای او لازم است. افزایش مدرسه و تعلیم رشته‌های مختلف علمی، آموختن مقدمات آنرا که زبان فارسی است ایجاب میکرد بدین منظور کتاب‌ها و منتخبات چندی تألیف شده که با در نظر گرفتن سلیقه مؤلفان و معلمان و شرایطی که کتابها در آن شرایط نوشته شد تحولی بود در تعلیم فارسی برای عموم.

بعدها وزارت معارف برای آموختن فارسی بدانش آموزان، دبستان و دبیرستان کتابهایی

آماده کرد. چون دوره تدریس آن کتابها سپری شده است درباره نحوه تنظیم آن سخنی نمیگوئیم، سپس چند سالی تألیف کتاب فارسی برای دبیرستانها آزاد شد و از انحصار وزارت فرهنگ بیرون آمد و سلسله کتابهایی تألیف گردید. با آنکه مؤلفان کم و بیش ذوق و دقت خود را در گردآوری مطالب بکار بردند، چون کار آنان دنباله کار مؤلفان پیش بود از تدریس فارسی نتیجه ای چنانکه انتظار میرفت بدست نیامد، سپس وزارت آموزش و پرورش مجدداً تألیف کتابهای درسی را زیر نظر گرفت که هم اکنون به دانش آموزان دبستانها و دبیرستانها مطالب آن کتابها را می آموزند، بنده نمی خواهم از ارزش کار مؤلفان این کتابها بکاهم، مسلماً کسانی که این کتابها را نوشته اند هر يك سالها در کار خود تجربه علمی و عملی دارند ولی از تذکر يك نکته ناگزیر هستم و آن اینکه فرهنگ امروز ما با فرهنگ سی سال پیش و بلکه با ده سال پیش از لحاظ گسترش سطحی قابل مقایسه نیست، فرهنگ دیگر بصورت کالای تشریفاتی که جزئی از امتیازات بشمار رود تلقی نمیگردد، بلکه جزئی از زندگی محسوب میشود. سی سال پیش ده درصد مردم درس میخواندند که علم یاد بگیرند و هنر بیاموزند، امروز آن ده درصد هستند ولی نود درصد دیگر هم پیدا شده اند که درس می خوانند برای اینکه در آینده کاری پیدا کنند.

با توجه باینکه زبان فارسی وسیله علم آموزی یا بهتر بگویم مقدمات کار اندوژی این نود درصد است باید برای تعلیم دادن فارسی باینان نیز فکری کرد، این حقیقتی است که ما نمیتوانیم آنرا ندیده بگیریم. با در نظر گرفتن این عوامل و علل مختلف باید قبول کنیم که تعلیم فارسی به دانش آموزان و دانشجویان باید با توجه به زمینه آموزشی آنان و در سطحهای گوناگون صورت گیرد، باید در کتابهای فارسی، مخصوصاً کتابهای دبیرستانی تجدید نظر شود و پیش از آنکه مؤلف کتاب بدانند چه تألیف می کنند باید بدانند برای چه تألیف میکند مخصوصاً آموختن فارسی در سطح دبیرستانی بسیار اهمیت دارد.

طبق برنامه وزارت آموزش و پرورش شاگرد دبیرستان از کلاس اول تا ششم باید فارسی بخواند اما همه این دانش آموزان برای يك رشته تربیت نمیشوند، دانش آموزی که پس از گذراندن دوره اول دبیرستان تحصیل را رها می کند و دنبال کسب و کار میرود باید آن اندازه فارسی یاد گرفته باشد که در خواندن مطالب ساده درنماند و از نوشتن نامه های عادی و گزارشهای معمولی عاجز نباشد، پس باینان فارسی را باید در همین حد آموخت. و انشاء را در این درجه از ایشان انتظار داشت.

در دوره دوم شاگردان به رشته های اختصاصی (ادبی - طبیعی - ریاضی) می روند، برای دانش آموزی که رشته طبیعی و ریاضی را انتخاب کرده است زبان فارسی تا آنجا لازم است که از عهده خواندن متن های علمی که بزبان فارسی نوشته می شود بر آید، جمله بندی فارسی را بداند، اجزاء جمله و جای هر يك را بشناسد و اگر خواست درباره مطلب علمی چند سطری بنویسد نوشته او قابل فهم باشد، شاگرد طبیعی باید چنان فارسی بداند که اگر خواست گزارشی درباره مشاهدات و یا آزمایش خود تنظیم کند از روی نوشته او و بی آنکه خود وی را ضمیمه نامه اش کنند بتوان مقصود وی را فهمید، شاگردی که در رشته بهیاری تحصیل می کند و موظف به خواندن فارسی است باید فارسی را چنان بخواند که بتواند نامه ای به رئیس خود بنویسد و از او چند بسته پنبه و چند عدد سرنگ درخواست کند. موادی که برای آموختن فارسی بشاگردان

دبیرستان تهیه و بنام فارسی از سالهای اول تا ششم دبیرستان تدریس میشود از نظم و نثر و دستور زبان فارسی باید این هدف را تعقیب کند ولی کتابهایی را که ما امروز بدانند آموزش می آموزیم این نیاز را تأمین نمی کند ، بلکه گاهی پیچیدگی عبارات و تعقید در لفظ و معنی و احیاناً کهنگی مضمون و عدم تناسب مطلب با زمان گذشته از اینکه نتیجه مطلوب را نمی دهد دانش آموز را نیز از ادبیات فارسی می رماند.

بنده در این چند سال که افتخار تدریس ادبیات را دارم با دوستانی سر و کار داشته ام که هنوز هم رشته همکاری را با من نبریده اند ، اینان معلم ادبیات دبیرستانها هستند گاهی حضوری یا تلفونی معنی جمله ای یا بیتی را از کتابهای درسی که عهده دار تدریس آن هستند از بنده می پرسند ، و بسا که جواب سؤال بر حسب اختلاف ذوق و سلیقه استادان ادب فارسی چند وجه دارد . خوب ، عبارتی از کتاب دبیرستانی را که معلم نداند و از معلم خود پرسد و او هم نتواند جواب قطعی بدهد یاد گرفتن آن برای دانش آموز رشته طبیعی یا ریاضی چه سودی دارد . البته یاد گرفتن هر چیزی کمال است ولی آخر باید در نظر داشت که دانش آموز رشته طبیعی یا ریاضی جز فارسی صدها مطلب دیگر هم باید یاد بگیرد . این عبارت جوامع الحکایات «مردی مقل حال و درویشم و نیز من با این جامه های خلق چه گونه به نزدیک اوروم» یا این عبارت از مرزبان نامه «مرا در این نواحی به مرغزاری وطن است و عکس حضرت آن برگنبد خضرای فلک می زند، منتزهی از عیش با فرح شیرین تر و صحرائی از قوس قزح رنگین تر ، چرن دوحه طویی و حله حورا سبز و ترو آنکه از آفت دد و دام خالی الاطراف و از فساد و زحمت سباع و سوام فارغ الاکناف» ، یا این عبارت چهار مقاله نظامی عروضی «خواجه بزرگ منازعان داشت که پیوسته خاک تخلیط در قدح جاء او همی انداختند... او مردی رافضی است و معتزلی مذهب و این بیت بر اعتزال او دلیل کند... یا این عبارت «خانه ای به ریاحین آراسته و لخلخه ها و میوه های مشموم نهاده و در صدر خانه حشیه ای افکنده ممسک و مخده های ممسک نهاده» ؛ هر یک در جای خود از شاهکارهای نثر فنی است، ولی باید توجه داشت که ما می خواهیم بدانند آموزش ریاضی و طبیعی فارسی خواندن و فارسی نوشتن بیاموزیم نه فن آرایش الفاظ به صنایع لفظی. خواندن این شعر ناصر خسرو:

از سوده و پاکیزه بلور است او انیش

بر مفرش پیروزه به شب شاه حلب را

و یا شعر دیگر او :

به عیوق ماننده لاله طری را
جز از وی نپذیرفت صورتگری را

ندیدی به نوروز گشته به صحرا
اگر لاله پر نور شد چون ستاره
و یا این ابیات از انوری :

به مناجات دست بر دارد
هر شب از هاله مه سپر دارد
وز چه معنی زره شمر دارد

هر زمانی چنار سوی فلک
پیش پیکان گل ز بیم گشاد
قیغ در دست بیدمی چسه کند
و یا این ابیات از اخقانی :

ناودان مژه را راه گذر بکشائید
سرخنی خون ز سیاهی بصر بکشائید

سیل خون از جگر آرید سوی بام دماغ
چون سیاهی عنب کاب دهد سرخ شما

تف خون کز مژه بر لب زد و لب آبله کرد / ز مهری ز لب آبله ور بگشاید
 لببت چشم به خونن بیچگان حامله شد / زه آن حامله وقت شمر بگشاید
 برای کسی که می خواهد در ادبیات مصنوع ایران تتبع کند لازمست، ولی گمان نمیکنم
 خواندن و بزحمت معنی ناقص از آن دریافتن برای شاگرد دبیرستان رشته ریاضی سودمند باشد.

کوتاه سخن اینکه در این سالها عده بسیاری از دانش آموزان و دانشجویان در سطح های
 گوناگون، موظف بخواندن زبان فارسی هستند ولی موادی را که ما اکنون از نظم و نثر
 موجود داریم با سطح تقاضای آنان هماهنگی ندارد. خوشبختانه در طول ده قرن که از عمر
 ادب فارسی دری می گذرد بخاطر حجم فراوان محصولات ادبی هر دوره مطالب بسیاری از
 نظم و نثر ساده و متوسط موجود است که با صرف وقت میتوان آنرا بصورتی درآورد که
 دانش آموز بخواندن آن رغبت کند. برای تأمین این منظور چنانکه گفته شد باید قبلاً هدف
 تعلیم فارسی در سطح مخصوص دانش آموز یا دانشجو مشخص شود آنگاه موادی را از نظم و
 نثر فراهم کرد و بتألیف پرداخت. شرایط کلی که برای آموزش فارسی در تمام سطحها باید بدان
 توجه شود بطور خلاصه اینست که: مضمون مطالب نظم یا نثر معنی را در برداشته باشد که بتوان
 بنحوی در زندگانی روزمره از آن بهره مند شد.

عبارت دیر فهم نباشد. لغات مرده که بهیچوجه و در هیچ سطحی مورد استعمال نیست حذف
 شود. معنی عبارت یا شعر تاب تحمل تفسیر و تعبیرهای متعدد را نداشته باشد. بعلاوه در سطح
 دبستانی و دبیرستانی نباید نثرهای فنی و آراسته بصنایع لفظی تدریس شود و این قسمت
 منحصرأ باید بعهده دوره عالی یعنی سطح دانشگاهی آنهم بخش ادبیات واگذار گردد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی

دکتر نورانی وصال

رقص

بهر سر من سینه نرم تو چه شد
 سویم چه کنی نگاه شرم تو چه شد

بزلب من لبان گرم تو چه شد
 ای تن بتن دیگری افشوده برقص